

پژوهشی دربارهٔ منصب نسقچی در دورهٔ قاجار

بابک روح‌الامینی*

سیدهاشم آقاجری**، داریوش رحمانیان***

چکیده

منصب نسقچی که از زمان صفویه در نظام دیوانی و تشکیلات دربار وجود داشت پس از سقوط صفویه هم چنان به حیات خود ادامه داد، اما در دورهٔ قاجار به عللی چند از فهرست تشکیلات درباری ایران حذف شد. واکاوی علل و عوامل مؤثر در حذف این منصب از فهرست مناصب دورهٔ قاجار مسئلهٔ اصلی ما در این تحقیق است. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و روش تحلیل نیز تبیین کارکردی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تشکیل نهادهایی با کارکرد مشابه، تحولات داخلی ایران، و حاکم شدن نظم و ثبات در کشور از مهم‌ترین علل حذف این منصب از تشکیلات دربار قاجار به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها: تحولات نظام دیوانی، تشکیلات درباری، مناصب، مناصب نظامی و انتظامی، دورهٔ قاجار، نسقچی، مجازات.

۱. مقدمه

معرفی و بررسی مناصب و مقامات اداری و سیر تحول و تکامل آن‌ها از مهم‌ترین وجوه پژوهش دربارهٔ تشکیلات اداری ایران به حساب می‌آید. در دورهٔ قاجار شاهد تحولات چشمگیری در نظام اداری و تشکیلات درباری ایران بودیم که طی آن بسیاری از مناصب با سابقهٔ طولانی حیات در تشکیلات دیوانی ایران از میان رفتند. منصب نسقچی یکی از همین

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس (نویسندهٔ مسئول)، babakruholamini@gmail.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، aghajeri@modares.ac.ir

*** استادیار تاریخ، دانشگاه تهران، rahmanian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۳

مناصب بود. این منصب به‌طور واضح از دورهٔ صفوی در فهرست مناصب درباری قرار گرفت. نسقچی‌ها زیر نظر نسقچی‌باشی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند و عمدتاً وظایف نظامی و انتظامی را بر عهده داشتند. حیات نسقچی، به‌منزلهٔ یکی از مناصب درباری، تا اواخر دورهٔ ناصری ادامه یافت و از آن زمان به بعد به‌تدریج از فهرست مناصب دربار قاجار حذف شد. در این تحقیق علل و عوامل حذف این منصب از فهرست مناصب دورهٔ قاجار را بررسی می‌کنیم. بر این اساس، سؤال اصلی ما در این تحقیق به این شکل مطرح می‌شود که چرا این منصب از فهرست مناصب درباری حذف شد و چه علل و عواملی در این امر دخیل بود؟ در پاسخ به این دو پرسش فرضیهٔ اصلی ما این است که از دست دادن کارکرد منصب مهم‌ترین علت حذف این منصب از تشکیلات دربار قاجاری به‌حساب می‌آید، که این امر خود در تحولات نظام دیوان سالاری قاجار و تشکیل نهادهایی با کارکرد مشابه از یک سو و تحولات داخلی ایران و کاسته شدن از درگیری‌های نظامی از سوی دیگر ریشه داشت. در واقع، این دو عامل باعث شد که بخش اعظمی از وظایف نسقچی‌ها دیگر موضوعیت نداشته باشد و به‌تدریج این منصب از فهرست مناصب دورهٔ قاجار حذف شود.

روش این تحقیق برای گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای و اسنادی و روش تحلیل تبیین کارکردی است. این مقاله در سه بخش تدوین شده است: در بخش اول پیشینهٔ منصب، وظایف، و کارکرد آن تا پیش از دورهٔ قاجار، در بخش دوم تحولات منصب نسقچی و وظایف آن در دورهٔ قاجار بررسی می‌شود، و در بخش آخر این پژوهش به نتایج اشاره می‌شود.

پژوهش دربارهٔ مناصب و تحولات آن طی ادوار گوناگون ذیل تحولات کلی نظام دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری قابل بررسی است. بر این اساس، پژوهش حاضر نیز از منظر ادبیات موضوعی زیرمجموعهٔ این حوزه به‌حساب می‌آید. با وجود اهمیت پژوهش دربارهٔ تحولات نظام اداری ایران در دورهٔ قاجار تاکنون کتاب مستقلی در این حوزه در ایران منتشر نشده است، اما تحقیقاتی چند در این باره انجام شده است؛ برای مثال، در این‌جا اشاراتی کوتاه به منصب نسقچی می‌کنیم. در کتاب *اصطلاحات قشون و دیوان در دورهٔ قاجاریه* که نوعی فرهنگ‌نامهٔ تخصصی از اصطلاحات دیوانی و نظامی این دوره به‌حساب می‌آید اطلاعاتی دربارهٔ منصب نسقچی، به‌منزلهٔ منصبی نظامی، بیان شده است. در این کتاب به وظایف انتظامی نسقچی هم‌چون تنبیه و انتقال مجرمان و هم‌چنین برقراری نظم در اردوها اشاره شده است. اشارات کوتاهی نیز به جایگاه نسقچیان در تشکیلات درباری و نوع پوشش آنان شده است. معرفی برخی از نسقچی‌باشی‌های دورهٔ قاجار دیگر موضوعی

است که در این فرهنگ‌نامه مطرح شده است (مدرسی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۸۷، ۵۸۸). علاوه بر این، در کتاب *نظام حکومت در دوران اسلامی* که پژوهشی دربارهٔ تشکیلات اداری، کشوری، و لشکری ایران از عصر مغول تا پایان قاجار است نیز مطالبی دربارهٔ منصب نسقچی و وظایف آنان ذکر شده است. نویسنده نسقچی را در دورهٔ افشاریه جزء مناصب نظامی و در دورهٔ زندیه و قاجاریه جزء تشکیلات دربار دانسته است (وره‌رام، ۱۳۳۸: ۲۳۹، ۲۷۵، ۳۲۵). وره‌رام دربارهٔ وظایف نسقچی نیز فقط وظایف انتظامی نسقچی، هم‌چون مجازات خاطیان و مجازات فراریان از جبهه‌های جنگی، را بررسی کرده است (همان: ۲۳۹). در دیگر کتاب وره‌رام با نام *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار* نیز مشابه همین اطلاعات دربارهٔ منصب نسقچی آورده شده است. علاوه بر کتاب‌ها، در پایان‌نامه‌ها و رسالاتی با موضوع پژوهش دربارهٔ تحولات کلی نظام دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری ایران نیز اطلاعاتی دربارهٔ این منصب آورده شده است. نخست، در اثر کلاسیک ابته‌اج با عنوان *اصطلاحات دیوانی و اداری از آغاز صفویه تا پایان دورهٔ قاجاریه* (۱۳۵۴)، که دربارهٔ تشکیلات و مناصب درباری ایران از صفویه تا دورهٔ قاجار نوشته شده از نسقچی‌ها به‌منزلهٔ عوامل اجرای مجازات خاطیان نام برده شده است. خسروبیگی نیز در پایان‌نامهٔ خود با موضوع «مناصب و مقامات ایران در دورهٔ قاجار» (۱۳۷۴) اطلاعاتی دربارهٔ منصب نسقچی، وظایف، و نام چند تن از نسقچی‌های آن دوره بیان کرده است. در پژوهش‌های فوق‌بیش‌تر به وظایف انتظامی نسقچی‌ها هم‌چون تنبیه مجرمان و خاطیان، انتقال آنان به زندان، برقراری نظم و امنیت در اردوهای شاهی، و نظارت بر کارهای سپاهیان اشاره شده است. علاوه بر این موارد، در مقالاتی با موضوع تشکیلات اداری و تحولات آن کماکان به نسقچی به‌منزلهٔ منصبی نظامی با کارکردی عمدتاً انتظامی اشاره شده است، اما در هیچ‌یک از این آثار به تحولات صورت‌گرفته در این منصب در دورهٔ قاجار و علل و عوامل مؤثر در آن اشاره نشده است.

۲. پیشینه و تحولات اداری منصب نسقچی تا دورهٔ قاجار

«نسق» در فرهنگ لغت به معانی متعددی از جمله روش، دستور، قاعده، منظم کردن، و به نظم درآوردن به‌کار رفته و «نسق کردن» در کاربرد به معنی سیاست کردن، بریدن گوش و بینی، یا قطع کردن دیگر اعضای گناه‌کاران آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «نسق»). نسقچی (naesaeqci) واژه‌ای مرکب از عربی و ترکی است که به‌منزلهٔ منصب وظیفهٔ برقراری

نظم و انضباط در اردوهای شاهی را بر عهده داشته است (مدرسی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۷۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «نسقچی»). علاوه بر شکل غالب نسقچی، در متون تاریخی نساقچی و نساقچیان نیز ذکر شده است (گلشن مراد، ۱۳۸۶: ۵، ۱۴۵، ۲۶۲، ۳۵۵، ۳۷۴، ۷۴۱).

حضور نسقچی به منزلهٔ منصب در تشکیلات دیوانی ایران به طور واضح به دورهٔ صفوی بازمی‌گردد. نسقچی‌ها در این دوره زیرمجموعه‌ای از منصب نظامی قورچی به حساب می‌آمدند^۱ و ریاست آن‌ها بر عهدهٔ نسقچی‌باشی بود (افشار، ۱۳۸۱: ۶۱۱؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۷۹؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

نسقچی‌ها در این دوره می‌بایست به‌طور همیشگی در رکاب شاهی حاضر می‌بودند (افشار، ۱۳۸۱: ۶۱۱). آنان در سلام‌های رسمی در کنار تخت پادشاه می‌ایستادند و جایگاهشان در کنار یساولان و جارچیان مشخص شده بود (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۱۰۰).

در دورهٔ نادرشاه و هم‌زمان با حذف منصب قورچی‌باشی از فهرست مناصب نظامی ایران (شعبانی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۶۸۲)، نسقچی‌ها دارای هویتی مستقل شدند و در جایگاه امرای نظامی در تشکیلات دربار جای گرفتند (مروی، ۱۳۶۸: ۵۴۳؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۵۴) و از آن زمان به بعد تا زمان حذف این منصب هم‌چنان نسقچی‌باشی منصبی مستقل شناخته می‌شد. نسقچی‌ها در اوایل دورهٔ افشاریه دارای لقب بیگ بودند، اما در اواخر این دوره ملقب به لقب خان شدند که مرتبه‌ای بالاتر از بیگ بود. این امر را می‌توان ترفیع جایگاه نسقچی‌ها در تشکیلات درباری افشاریه به حساب آورد (شعبانی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۶۲۷؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۵۴). به‌طوری که در اواخر این دوره نسقچی‌باشی دربار در کنار سایر امرا در توطئهٔ به قدرت نشاندن شاهرخ نایینا حضوری جدی دارد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۵۴).

ترتیب قرار گرفتن نسقچی‌های دورهٔ افشار در سلام‌ها نسبت به دورهٔ صفوی تغییر خاصی به خود ندید و کماکان جایگاه آنان در سلام‌ها و در دربار در کنار جارچیان و چنداولان مشخص شده بود (مروی، ۱۳۶۸: ۵۴۳؛ گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۳۹). در دورهٔ زندیه نیز تغییر اساسی در جایگاه منصب نسقچی پدید نیامد و نسقچی‌ها کماکان افرادی با نقش نظامی در دربار زندیه حضور داشتند.

۳. وظایف نسقچی‌ها از ابتدا تا دورهٔ قاجار

نسقچی‌ها در بازهٔ زمانی مورد مطالعه وظایف متعددی را بر عهده داشتند که این وظایف در تقسیم‌بندی‌ای کلی به دو بخش بزرگ نظامی و انتظامی قابل تقسیم است؛ البته در سیر

تحول این منصب تا دوره قاجار شاهد تغییراتی در این وظایف و اضافه شدن وظایفی جدید به آن بودیم که در ادامه به این وظایف اشاره می‌شود.

۱.۳ وظایف نظامی

گفتیم که نسقچی‌ها در دوره صفوی تابع منصب قورچی بودند، با توجه به ماهیت نظامی این منصب لاجرم وظایف نظامی بخشی از وظایف نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد. سازمان‌دهی لشکر در نبرد، ممانعت از فرار سربازان در جریان نبردها، مجازات سربازان فراری از میدان جنگی، و انتقال پیام‌های جنگی از فرماندهان اصلی به فرماندهان دیگر در نبردها مهم‌ترین وظایف نظامی نسقچی‌ها در دوره صفوی به حساب می‌آمد (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۷؛ آکس وورتی، ۱۳۸۸: ۸۱؛ فلور، ۱۳۶۵: ۱۰۶؛ فلور، ۱۳۸۸: ۳۴۷). درباره این پیام‌ها و کیفیتشان، اعم از سری و محرمانه بودن و یا عادی بودن آن‌ها، مطلبی بیان نشده است، اما صرف ابلاغ دستورات نظامی به هنگام جنگ می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه آنان در سلسله‌مراتب نظامی صفویان باشد.

در دوره نادر شاهد اضافه شدن وظایف جدیدی به وظایف قبلی نسقچی‌ها بودیم که بی‌شک معلول فضای نظامی‌گری حاکم بر آن دوره بود، اما در واقع شاکله اصلی وظایف نظامی نسقچی‌ها در ادوار بعدی را همان وظایف نظامی آنان در دوره صفوی شکل می‌داد. در دوره نادری نسقچیان «غلاظ و شداد» موظف بودند که از تعدی سپاهیان به مردم شهرهای مفتوحه، که از نادر امان‌نامه داشتند، جلوگیری کنند؛ ممانعت از غارت مردم در حین جنگ، ابلاغ فرمان توقف غارت، و نظارت بر حسن انجام آن وظایف جدید نظامی نسقچی‌ها در دوره نادر به حساب می‌آمد (مروی، ۱۳۶۴: ۲۶۸، ۲۷۸، ۶۴۰، ۷۴۷؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۹؛ فریزر، ۱۳۶۳: ۱۱۴؛ رضازاده شفق، ۱۳۸۶: ۲۷۳). وظایف فوق در واقع تکامل‌یافته همان وظایفی بود که در دوره صفوی نسقچی‌ها بر عهده داشتند. در دوره زندیه نیز تغییر مهمی در وظایف نظامی نسقچی‌ها به وجود نیامد و کماکان نسقچیان «بهرام صولت» و «مریخ صلابت» در جنگ‌ها و نبردها حضور داشتند و وظایف فوق‌الذکر را عهده‌دار بودند (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۴۵، ۱۷۵، ۲۶۲، ۶۲۳؛ ساروی، ۱۳۷۱: ۴۱، ۱۳۶؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۳۲۹).

۲.۳ وظایف انتظامی

جدای از وظایف نظامی، نسقچی‌ها وظایف انتظامی متعددی را نیز بر عهده داشتند. مانند

وظایف نظامی، این بخش از وظایف نسقچی‌ها نیز طی بازهٔ زمانی مورد بررسی دچار تغییر و تحولاتی شد و وظایف جدیدی به این حوزه اضافه شد. تأمین امنیت مسیرهای حرکت حرم سلطنتی و قرق آن، حفظ امنیت جاده‌های مسیر لشکرکشی به هنگام حرکت سپاه، و وظایف کشیک مهم‌ترین وظایف انتظامی نسقچی‌ها در دورهٔ صفویه را تشکیل می‌داد (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۷۹؛ افشار، ۱۳۸۰: ۶۱۱؛ بیانی، ۱۳۷۸: ۹۸). این وظایف در دوره‌های بعدی نیز کماکان تداوم یافت.

در دورهٔ نادری، هم‌زمان با بروز تحولاتی در منصب نسقچی، وظایف آنان نیز دچار تغییراتی نسبت به دورهٔ پیشین شد و شاهد افزوده شدن وظایف جدیدی به این منصب بودیم. کماکان وظیفهٔ تأمین امنیت راه‌ها و قرق مسیرهای حرکت حرم شاهی و اردوهای نظامی بر عهدهٔ نسقچیان گذاشته شده بود (مروی، ۱۳۶۴: ۸۳۴). علاوه بر این، وظیفهٔ کشیک و محافظت از اردوهای نادر بر عهدهٔ آنان بود. نسقچی‌ها به هنگام سلام‌های رسمی دورتادور مقامات نظامی و سیاسی را احاطه می‌کردند و به‌نوعی نقش محافظان نادر را داشتند (گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۳۹). علاوه بر محافظت از نادر، نسقچی‌ها وظیفهٔ محافظت از افراد مهم سیاسی را نیز بر عهده داشتند (رضازاده شفق، ۱۳۸۶: ۲۷۵). جدای از این موارد، در دورهٔ نادر نسقچی‌ها مسئولیت تأمین امنیت اردوهای نادر را بر عهده داشتند. به نسقچی‌ها این قدرت داده شده بود که در اردوها با کوچک‌ترین بی‌نظمی به شدیدترین وجه برخورد کنند (مروی، ۱۳۶۴: ۲۸۰). این امر باعث شده بود که امنیتی مثال‌زدنی در اردوهای نظامی نادر حکم‌فرما شود (شعبانی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۶۴۰).

دستگیری و مجازات مجرمان و متهمان عمدتاً سیاسی وظیفهٔ انتظامی دیگری بود که در دورهٔ نادر به فهرست وظایف انتظامی نسقچی‌ها اضافه شده بود (مروی، ۱۳۶۴: ۱۱۰۸). به دستور نادر این نسقچی‌ها بودند که مجرمان را در هر جای کشور دستگیر می‌کردند و در همان محل و یا پس از انتقال به پایتخت به مجازات می‌رساندند. وظیفهٔ مهم انتظامی دیگری که در دورهٔ نادر به فهرست وظایف نسقچی‌ها اضافه شد وظیفهٔ بازرسی و نظارت بر کار محصلان مالیاتی و نظامیان بود. در واقع، نسقچی‌ها در این دوره نقش بازرسان مخصوص نادر را بازی می‌کردند که بر اعمال محصلان مالی و نظامیان در سراسر کشور نظارت داشتند؛ به نسقچی‌ها اختیار مجازات خاطیان نیز داده شده بود و آنان مقصرانی را که از وظایف خود تخطی کرده بودند به شدیدترین وجه به مجازات می‌رساندند (مروی، ۱۳۶۴: ۷۹۶؛ رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۲۰۷؛ آکس‌وورتی، ۱۳۸۸: ۱۸۴). این بازرسی و نظارت در مواقع بحرانی مانند اوضاع جنگی به شکل نظارت بر چگونگی توزیع ارزاق عمومی نیز نمود

می‌یافت (فریزر، ۱۳۶۳: ۱۱۷). هم‌چنین، به هنگام پایان حمله به هند و در راه بازگشت سربازان به ایران، به نسقچی‌ها وظیفه بازرسی سربازان، به‌منظور نظارت بر همراه داشتن مقدار غنیمت جنگی تعیین شده، داده شد و نسقچیان بازرسی تمامی افراد نظامی از سرباز تا امرای بالامرتبه را بر عهده گرفتند (مروی، ۱۳۶۴: ۷۵۴). واگذاری مسئولیت ضبط خزانه و جواهرات و اسباب جنگی محمداشاه و امرای مقتول وی در جنگ کرنال نیز، که به نسقچی‌ها واگذار شده بود (فریزر، ۱۳۶۳: ۱۱۴)، بی‌ارتباط به نقش بازرسی و نظارت آنان نبود. درواقع، این بخش از وظایف از یک سو نشان‌دهنده میزان اعتماد نادر به نسقچی‌ها بود و از سوی دیگر باعث بالا رفتن جایگاه منصب نسقچی‌باشی در میان مناصب آن دوره می‌شد.

در دوره نادر وظیفه استقبال از میهمان خارجی نادر در دشت مغان و نظارت بر چگونگی اسکان آنان نیز به نسقچی‌ها سپرده شده بود (گاتوخی کوس، ۱۳۴۷: ۴۴). این امر را نیز می‌توان وظیفه انتظامی جدید نسقچی‌ها در دوره نادری محسوب کرد.

با توجه به موارد اشاره شده در بالا، باید بیان کرد که منصب نسقچی در دوره نادری اوج تکامل خود را پیدا کرده بود؛ به‌گونه‌ای که شامل مجموعه‌ای از وظایف انتظامی و نظامی می‌شد. این امر باعث شده بود که از نسقچی‌ها به‌منزله مهم‌ترین افراد متکفل وظایف انتظامی در دوره نادری نام برده شود. بسیاری از وظایف انتظامی فوق‌پس از پایان کار نادر از فهرست وظایف نسقچی‌ها حذف شد و در دوره زندیه کماکان وظایف نسقچی‌ها محدود به همان وظایف انتظامی شد که در دوره صفوی بر عهده آن‌ها گذاشته شده بود (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۶۵، ۲۶۲، ۷۴۱).

۱.۲.۳ وظیفه مجازات افراد خاطی

در میان وظایف انتظامی نسقچی‌ها اجرای مجازات خاطیان و مجرمان یکی از مهم‌ترین موارد به‌حساب می‌آمد. درواقع، می‌توان این وظیفه را کلاسیک‌ترین نوع وظایف نسقچی‌ها قلمداد کرد که تا پایان حیات این منصب تداوم داشت. در متون دیوانی صفویه به این وظیفه به‌خوبی اشاره شده است: «و پادشاهان کسی را که امر به نسق می‌فرمودند به عهده او می‌شد» (افشار، ۱۳۸۰: ۶۱۱). با توجه به حضور همیشگی نسقچی‌ها در «رکاب ظفر انتساب»، به‌نظر می‌رسد که آنان به‌نوعی جلادان خصوصی شاهان صفوی به‌حساب می‌آمدند. این گفته نظر برخی از محققان را مبنی بر نبود منصب تشکیلاتی جلادان و میرغضبان در دوره صفوی به چالش می‌کشد (فلور، ۱۳۸۱: ۶۰). فلسفی نیز از حضور

جلادان و میرغضببان پرشمار در خدمت شاه‌عباس صحبت کرده است که وظیفهٔ اصلی آنان مجازات کردن خاطیان به صورت بریدن گوش، دست، دماغ، اعدام، و غیره بود (فلسفی، ۱۳۵۳: ۱۲۳). به نظر می‌رسد جلادانی که فلسفی از آنان نام می‌برد همان نسقچی‌هایی باشند که به گفتهٔ دستورالملوک وظیفهٔ نسق کردن خاطیان را بر عهده داشتند. همان‌طور که در بالا نیز به آن اشاره شد، نسقچی‌ها سربازانی را که از میدین جنگی فرار می‌کردند به مجازات می‌رساندند. مجازاتی که در بدترین وضعیت منجر به قتل فراریان می‌شد. در واقع، نسقچی‌ها در نبردها عمدتاً با تبرزین‌های خود در انتهای سپاه جای می‌گرفتند و سربازان فراری را به مجازات می‌رساندند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۷؛ فلور، ۱۳۶۵: ۱۰۵). در دورهٔ نادری نیز کماکان مجازات خاطیانی که از سوی شاه مقصر تشخیص داده می‌شدند بر عهدهٔ نسقچیان گذاشته شده بود (مروی، ۱۳۶۴: ۱۱۱۸؛ گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۳۹؛ رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۲۷۲؛ کلانتر، ۱۳۶۲: ۲۴). علاوه بر این، نسقچیان مأمور مجازات دیوانیان و نظامیان نیز بودند (مروی، ۱۳۶۴: ۵۴۴؛ گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۳۹؛ فریزر، ۱۳۶۳: ۱۳۳؛ رضازاده شفق، ۱۳۸۶: ۲۸۵).

مجازات افراد خاطی از بریدن گوش، دست، بینی، درآوردن چشم، و چوب زدن آغاز می‌شد و در شدیدترین حالت به «جدا کردن سر از قلعهٔ تن» می‌انجامید و اجساد مقتولان برای عبرت سایرین به نمایش درمی‌آمد (فریزر، ۱۳۶۳: ۱۱۶؛ آکس وورتی، ۱۳۸۸: ۳۵؛ مروی، ۱۳۶۴: ۸۱۵). باید به این نکته اشاره کرد که گاهی خود نسقچیان نیز به علت سهل‌انگاری در انجام دادن وظایف مجازات می‌شدند و پیش می‌آمد که نسقچیان خاطی به قتل می‌رسیدند (مروی، ۱۳۶۴: ۶۸۹). در دورهٔ زندیه نیز کماکان از نسقچی‌ها به منزلهٔ عاملان اجرای مجازات نام برده می‌شد (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۴۱۹). به نظر می‌رسد چنین اقداماتی از نسقچی‌ها باعث شده بود که همواره از آنان به منزلهٔ افرادی قسی‌القلب در منابع نام برده شود.

۴. شکل ظاهری نسقچی‌ها پیش از قاجار

دربارهٔ شکل ظاهری نسقچی‌ها در منابع اطلاعاتی پراکنده ذکر شده است؛ مهم‌ترین وجه بارز ظاهر نسقچی‌ها در دورهٔ صفوی تبرزین‌هایی بود که همراه همیشگی آنان به حساب می‌آمد. علاوه بر این، نسقچی‌ها با عمامه‌های خلیل‌خانی و تاج مندیل‌پیچ که روی آن چندین پر قرار داشت شناخته می‌شدند (افشار، ۱۳۸۰: ۶۱۱؛ رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۱۰۰). در

دوره نادری نیز کماکان نسقچی‌ها با کلاه‌های پردار شناخته می‌شدند (گاتوغی کوس، ۱۳۴۷؛ مروی، ۱۳۶۴: ۴۹۰)؛ علاوه بر این، تبرزین مهم‌ترین وجه بارز ظاهری نسقچی‌ها را در این دوره و دوره زندیه تشکیل می‌داد.

۵. اسامی نسقچی‌ها پیش از قاجار

درباره نسقچی‌های دوره صفوی اطلاعات ما بسیار ناچیز است، اما این نقیصه در دوره افشار برطرف می‌شود؛ تعدد وظایف و نقش بارز نسقچی‌ها در دوره افشار شاید دلیل مهمی بر این امر بوده باشد. در جریان نبرد نادر با عثمانی در سال ۱۱۴۶ ق از سید حسن‌خان خراسانی در سیمت نسقچی‌باشی نادر نام برده شده است. گویا بعد از پیروزی بر عثمانی‌ها وی به حکومت اصفهان گماشته شد و از منصب نسقچی‌باشی خلع شد. دو سال بعد در جریان تاج‌گذاری نادر در دشت مغان عبدالحسین بیگ نسقچی‌باشی نادر است و در جریان فتح قندهار در سال ۱۱۵۰ ق علیرضاییگ قزوینی، ولد ابوالحسن‌خان نسقچی‌باشی، در جایگاه نسقچی‌باشی نادر معرفی می‌شود و جالب آن‌که به هنگام ورود به دهلی در سال ۱۱۵۱ ق محمدرضاییگ نسقچی‌باشی جای علیرضاییگ را گرفته است (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۲۲۶-۲۲۷؛ گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۱۷؛ مروی، ۱۳۶۴: ۳۶۷، ۵۴۴، ۶۹۸).

با بررسی اسامی نسقچیان دوره نادر، آنچه بیش از همه ما را متعجب می‌کند تغییرات پی‌درپی در انتساب متولیان این منصب است. در فاصله زمانی ۱۱۴۶-۱۱۵۱ ق از پنج نفر در سیمت نسقچی‌باشی نادر صحبت به میان آمده است که در این میان دو نفر دارای روابط پدر و فرزندی بودند (همان؛ رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۲۲۷-۲۲۸؛ گاتوغی کوس، ۱۳۴۷: ۱۷). علت اصلی این تغییرات برای ما نامعلوم است. شاید این امر به سیاست کلی نادر در تغییر مقامات نظامی و دیوانی مربوط باشد؛ احتمال کشته شدن آنان در میدان‌های جنگی، دشواری کار و فرسودگی نسقچیان و کناره‌گیری آن‌ها از این منصب، یا گماشتن آن‌ها بر مشاغل دیگر را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

درباره تعداد نسقچی‌های دربار نادری نیز منابع اطلاعات متعددی را بیان کرده‌اند. مروی از سه هزار نسقچی نام می‌برد که در سپاه نادر به هنگام حمله به هند حضور داشته‌اند (مروی، ۱۳۶۴: ۴۹۰). به نظر می‌رسد که این آمار با دیگر منابع درباره تعداد نسقچی‌های دوره نادری هم‌خوانی داشته باشد.^۲ نسقچی‌ها در این دوره علاوه بر دربار نادر در سایر ایالات نیز حضور داشتند (همان: ۱۱۰۸).

هرچند آمار دقیقی دربارهٔ تعداد نسقچیان دربار کریم خان در منابع آن دوره ذکر نشده است، اما فسایی از هزار نفر نسقچی در آن دوره نام برده است (فسایی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۶۱۵). حضور این تعداد از نسقچی‌ها در دربار زندیه، با توجه به کاسته شدن از کشاکش‌های نظامی دورهٔ کریم‌خان به نسبت دورهٔ نادری، می‌تواند نشانی از تداوم اهمیت نسقچی‌ها در تشکیلات دربار زندیه به حساب آید. از مشهورترین نسقچیان این دوره نیز می‌توان به نقدعلی خان زند و مهرعلی خان زند اشاره کرد که در ادوار گوناگون عهده‌دار این منصب بوده‌اند (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۷۴، ۶۱۸؛ ساروی، ۱۳۷۱: ۱۳۶).

۶. تحولات اداری منصب نسقچی در دورهٔ قاجار

پس از بر تخت نشستن آغامحمدخان و تا سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه هم‌چنان منصب نسقچی در تشکیلات دربار قاجار به‌منزلهٔ یکی از مناصب درباری مطرح بود و نسقچی‌باشی‌ها نیز مانند ادوار پیشین به‌مثابهٔ امرای نظامی نیز شناخته می‌شدند (محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۸۹؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸۵، ۷۰۱) و می‌بایست هم‌چنان حضوری همیشگی در رکاب شاهی می‌داشتند (سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۱۲۹۶۲/۲۹۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۷۶۲، ۹۷۴؛ میرزا حسین‌خان، ۱۳۸۲: ۱۳۶؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۵۴: ۷؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۴ الف: ۲۰۰؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۱۰، ۱۲؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

برای پی بردن به جایگاه نسقچیان در تشکیلات دیوانی و اداری ایران در دورهٔ اول قاجار، استفاده از گزارش‌هایی که دربارهٔ سلام‌های متعدد شاهان و شاهزادگان قاجار بر جای مانده است می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع قابل استناد به حساب آید و با رجوع به این گزارش‌ها می‌توان به جایگاه نسقچی‌ها در تشکیلات درباری آن دوره پی برد. بر اساس گزارشی که از روز تاج‌گذاری فتحعلی‌شاه بر جای مانده است ترتیب قرار گرفتن افراد در این روز به این صورت بود:

شهبازگان مهر افسر ایران‌آرا، امرای مریخ رزم ایران‌آرا و وزرای صاحب عباد آصف اوصاف، لشکرکشان صاحب عباد هزیر مصاف، غلامان غلمان گوهر، باشیان با شأن و فر، وشاقان جوزامیان مشتری سیما، یساوان قدر نفاذ قضا یاسا، نسقچیان کیوان‌مکان فلک تمکین، جارچیان بهرام‌قدر سپهر نگین، جلادان اجل جلادت جان‌ستان بعد از تزئین بر و دوش افتخار به خلاع خورشید شعاع اشعهٔ تار در پایهٔ سریر عرش مقدر اعلی‌الله قدره هریک علی قدر مقدارهم ... (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۸۱).

در گزارش دیگری نیز که از همین مراسم بر جای مانده ترکیبی مشابه ذکر شده است و یگانه نکته اختلاف گزارش دوم حضور نداشتن جلادان در صف افراد حاضر در سلام است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۷: ۷). جالب آن‌که چنین چینی از افراد با کمی تغییر در سلام شاهزادگان قاجار که در سمت حکام در سراسر ایران حکومت داشتند نیز ذکر شده است. در سلام عام ۱۲۱۸ ق محمدولی میرزا در مشهد ترتیب قرار گرفتن افراد به این صورت بود که:

علمای عظام و فقهای کرام و سادات ذوی‌الاحترام را به محفل خاص طلبیده رخصت جلوس ارزانی و بر و دوش هریک را ثواب زرنگار و خلاج مهر آثار تزئین بخشیده. امرای والاشان و خوانین بلندمکان و سرکردگان و غلامان و معارفین لشکریان هر کدام جابه جا و صف در صف ایستاده. یساولان و نسقچیان و جارچیان همگی با کمال ارادت دست بر روی دست نهاده. از سطوت شاهزاده جمشیدشأن کسی را یارای آن نبود که از حد خود تجاوز تواند نمود (نوری، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

ترکیبی مشابه در دیگر سلام‌های رسمی اوایل قاجار ذکر شده است (لنجانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۸۷). بر اساس این گزارش‌ها، نسقچی‌ها جزء باشیان دربار به حساب می‌آمدند و جایگاهشان در کنار یساولان و جارچیان تعیین شده بود (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۱۰۴؛ محمود میرزا، ۱۳۸۹: ۱۱۲) و در واقع تغییر محسوسی در این خصوص نسبت به ادوار گذشته رخ نداده بود.^۳ در این دوره نیز مانند دوره‌های پیشین، علاوه بر پایتخت، نسقچی‌ها در خدمت حکام دیگر ایالات نیز حضور داشتند (نوری، ۱۳۸۴: ۷۸؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۵۸؛ طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۱۰۴، ۵۸۸؛ سازمان اسناد ملی، شماره بازبایی ۷۸-۹۶).

هرچند نسقچی‌ها در دوره دو پادشاه اول قاجار به منزله امرای نظامی شناخته می‌شدند، اما از دوره محمدشاه و با توجه به کاسته شدن از منازعات داخلی و خارجی به تدریج وجه نظامی این منصب کارکرد خود را از دست داد و نسقچی‌باشی‌ها بیش‌تر به منزله یکی از اعضای دربار شناخته می‌شدند.

در دوره ناصری شاهد تغییرات مهمی در تشکیلات دربار قاجار بودیم که منجر به گسترش و توسعه تشکیلات درباری شد و به زودی ادارات جدیدالتأسیس جای بسیاری از مناصب و مقامات قدیمی را در تشکیلات جدید درباری گرفت که همان وظایف مناصب پیشین را به انجام می‌رساندند. منصب نسقچی نیز از این تغییرات بر کنار نماند و چنین سرنوشتی را در پیش گرفت.

در میان ادارات جدید دورهٔ ناصری به نام ادارهٔ «نسق‌خانهٔ مبارکه» برمی‌خوریم. این اداره در واقع جانشین منصب نسقچی شده بود و مانند منصب نسقچی تحت ریاست نسقچی باشی اداره می‌شد و رؤسای آن نیز همگی از خاندان دولوی قاجار بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۹). ادارهٔ جدیدالتأسیس از منظر اداری نیز زیرمجموعهٔ تشکیلات وزارت دربار به حساب می‌آمد (همان: ۳۹۰).

زمان تأسیس این اداره به‌درستی برای ما معلوم نیست، اما به‌نظر می‌رسد که این اداره هم‌زمان با گسترش تشکیلات دربار اعظم و تأسیس ادارات جدید در اوایل سال ۱۳۰۰ ق تأسیس شده باشد. مانند منصب نسقچی باشی که در ابتدای دورهٔ ناصری نیز هم‌چنان هویت مستقل خود را حفظ کرده بود (بیانی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۲۸۴)، ادارهٔ نسق‌خانهٔ مبارکه نیز در ابتدای تشکیل هویتی مستقل داشت، اما در فهرستی که اعتمادالسلطنه از ادارات ایران در سال ۱۳۰۶ ق ارائه می‌دهد این اداره با ادارهٔ سرایدارخانه و فراش‌خانه ادغام شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۸۸). این امر با مخالفت و اعتراض ناصرالدین‌شاه همراه شد و وی بارها بر استقلال وظایف نسقچی‌گری اشاره کرده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۵۳۷)، اما گویا اعتراض وی راه به جایی نبرده بود و کماکان این سه اداره در تشکیلات جدید دربار با یک‌دیگر در واحدی اداری قرار گرفته بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۲، ۵۰۰). امری که تا پایان حضور این منصب در دورهٔ ناصری هم‌چنان ادامه داشت.

با بررسی اسامی اعضای ادارهٔ نسق‌خانه در سال ۱۳۰۶ ق نکات جالبی به‌دست می‌آید. از فهرست یازده‌نفرهٔ شاغل در این اداره، هفت نفر دارای لقب خان، دو نفر دارای لقب بیگ، و دو نفر نیز میرزا بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۸۹، ۳۹۰). از میان هفت نفری که لقب خان داشتند و به‌نظر می‌رسد که از بیگ‌ها مرتبهٔ بالاتری داشتند شش نفر از اعضای ایل قاجار بودند. این امر را می‌توان مقوم این نظر دانست که شاکلهٔ اصلی این اداره را قاجارها تشکیل می‌دادند. حضور دو نفر میرزا که به احتمال فراوان مسئولیت امور دفتری را بر عهده داشتند نیز نشان‌دهندهٔ مسئولیت‌های اداری در این اداره بوده است؛ هرچند اشارهٔ مستقیمی دربارهٔ این دست از اعمال ادارهٔ نسق‌خانه در دست نیست و برای ما به‌درستی معلوم نیست که این وظایف اداری شامل چه مواردی بوده است.

از آن‌جا که نسقچی باشی‌ها می‌بایست حضوری همیشگی در دربار می‌داشتند محل زندگی آنان نیز در محدودهٔ ارگ سلطنتی تعیین شده بود (سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۵۳؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۱۲)، اما دربارهٔ حضور سایر نسقچی‌ها در محدودهٔ ارگ سلطنتی نمی‌توان به‌درستی اعلام نظر کرد. می‌دانیم که در سال‌های پایانی حکومت ناصری

و براساس گزارش‌هایی که از سرشماری تهران آن دوره بر جای مانده است نسقچی‌ها در محلات متعدد شهر پراکنده بودند (سعدوندیان، ۱۳۶۸: ۴۴، ۶۱، ۱۳۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۶۴).

۷. وظایف نسقچی‌ها در دوره قاجار

روند تغییرات، علاوه بر وجوه اداری منصب نسقچی، درباره وظایف این منصب نیز بروز یافت و وظایف متعدد این منصب در دوره قاجار دچار تغییر و تحولاتی شد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱.۷ وظایف نظامی

حضور نسقچی‌ها به منزله امرای نظامی و وظایف نظامی آنان تا پایان حکومت فتحعلی‌شاه هم‌چنان تداوم یافت و هر سه نسقچی‌باشی دربار در این بازه زمانی سابقه حضور در نقش امرای نظامی در درگیری‌های داخلی و خارجی را داشتند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۴، ۲۸۵، ۳۰۴، ۳۰۶، ۷۵۹؛ محمود میرزا، ۱۳۸۹: ۱۸۰، ۱۸۸؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۷۸؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۸۶؛ نوری، ۱۳۸۴: ۳۶۱). وظایف نظامی منصب نسقچی نیز در این دوره نسبت به دوره‌های پیشین تفاوت چندانی نکرده بود و کماکان حفظ نظم سپاه، جلوگیری از فرار سربازان از میدان‌های جنگی، ممانعت از آسیب رساندن به محصولات مردم از سوی نظامیان، جلوگیری از آزار و اذیت سکنه شهرهایی که در مسیر لشکرکشی‌ها قرار داشتند، و ممانعت از غارت شهرهای مفتوحه، که امان‌نامه داشتند، مهم‌ترین وظایف نظامی نسقچی‌ها در دوره اول قاجار بود (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۷۴۱؛ نوری، ۱۳۸۴: ۷۹، ۲۴۰، ۲۲۳۸؛ کوهمره‌ای، ۱۳۸۴: ۳۷).

هرچند در ابتدای دوره قاجار و طی درگیری‌های داخلی و خارجی نسقچی‌ها و نسقچی‌باشی‌ها حضور همیشگی داشتند، اما از دوره محمدشاه به بعد در جریان درگیری‌های نظامی دیگر صحبتی از نسقچی‌ها به منزله امرای نظامی به میان نمی‌آید. کاسته شدن از میزان درگیری‌های داخلی و خارجی از یک سو و بروز تغییرات در ساختار نیروهای نظامی ایران از سوی دیگر می‌تواند مهم‌ترین علل این تغییر به حساب آید. این دو عامل در دوره ناصری نیز هم‌چنان تداوم یافت و این بخش مهم از وظایف نسقچی‌ها به دلیل از دست دادن کارکرد خود از فهرست وظایف نسقچی‌ها حذف شد. از دست دادن کارکرد نظامی منصب نسقچی تأثیر به‌سزایی در حذف نهایی این منصب از فهرست مناصب دربار قاجار نیز داشت.

۲.۷ وظایف انتظامی

مانند وظایف نظامی، وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز در دورهٔ قاجار دچار تغییر و تحولاتی شد. وظایف انتظامی نسقچی‌ها در دورهٔ اول قاجار نسبت به ادوار پیشین تغییر چندانی نکرد و در واقع این وظایف تداوم و در برخی از مواقع تکامل یافت. کماکان محافظت از اردوهای شاهی در سفرها، مشخص کردن مسیرهای اردوهای شاهی و نظامی، حفظ امنیت درون اردویی، تأمین امنیت مقامات در مراسم رسمی گوناگون، دستگیری مجرمان سیاسی، و انتقال آنان به مراکز ایالتی و پایتخت مهم‌ترین بخش از وظایف انتظامی این منصب در دورهٔ اول قاجار را به خود اختصاص داده بود (دروویل، ۱۳۴۸: ۲۲۲؛ وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۷۴۰؛ جونز، ۱۳۸۶: ۸۴؛ طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۶۳، ۱۱۴؛ تیموری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۵۲۱؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۲۲؛ محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۲۷؛ فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۲۶۰).

در دورهٔ فتحعلی‌شاه شاهد تعیین شدن وظیفهٔ انتظامی جدیدی برای نسقچی‌ها بودیم. در این دوره در بیش‌تر مواقع نسقچی‌باشی‌ها و گاهی نایب نسقچی‌باشی دربار شاه و یا شاهزادگان به همراه نسقچی‌های تحت امرشان وظیفهٔ مهمانداری و استقبال از فرستادگان و سفرای خارجی را بر عهده داشتند (سپهر، ۱۳۷۷: ۴۱۹؛ نوری، ۱۳۸۴: ۴۴۶؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۲۵؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۱۷؛ موریه، ۱۳۸۶: ۶۵؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۳۸۳؛ فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۲۵۰)؛ البته همان‌طور که پیش از این نیز اشاره کردیم، در دورهٔ نادر نسقچی‌باشی وی مأمور استقبال و نظارت بر اجرای درست تشریفات فرستادگان خارجی در دشت مغان بود. به نظر می‌رسد که این وظیفه در دورهٔ فتحعلی‌شاه تداوم و تکامل یافته بود. از این رو، تا سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه حضور نسقچی‌ها در هیئت‌های استقبال از سفرای خارجی را شاهدیم. علت حضور آنان در هیئت‌های استقبال از سفرای خارجی به درستی معلوم نیست. احتمالات چندی در این باب مطرح است. شکل نگرفتن ساختار وزارت خارجه در اوایل دورهٔ قاجار خود می‌تواند یکی از علل این امر به حساب آید. از سوی دیگر، در اوضاع نابه‌سامان و آشفتۀ آن زمان که در جای‌جای کشور خوانین و بزرگان محلی مشکلات و معضلاتی را برای حکومت به وجود می‌آوردند، حضور نسقچی‌ها که افرادی عمدتاً خشن محسوب می‌شدند در نقش محافظان این هیئت‌ها می‌توانست از مشکلات امنیتی ناخواسته جلوگیری کند. بر این مسئله در فرمانی از سوی فرمان‌فرما حسنعلی میرزا حاکم شیراز به محمدخان نسقچی‌باشی، که مأمور استقبال از هیئت دیپلماتیکی سرهارد فورجونز شده بود، تأکید شده است (موریه، ۱۳۸۶: ۶۷). از سوی دیگر،

فرضیه مطرح دیگر در این باب کنترل دیگر اعضای هیئت استقبال به دست نسقچی‌هاست که این مسئله را نیز نمی‌توان از نظرگاه دور داشت. هر دوی این موارد می‌تواند مقوم نقش امنیتی نسقچی‌ها در اوایل دوره قاجاری به حساب آید.

نقش‌های انتظامی نسقچی‌ها در دوره دوم قاجار دچار تغییرات مهمی شد هرچند در اوایل این دوره وظایف انتظامی هم‌چون قرق کردن مسیر سفرهای شاهی، حفظ امنیت و نظم اردوهای شاهی، و انتقال مجرمان سیاسی به پایتخت مهم‌ترین وظایف انتظامی نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد (سازمان اسناد ملی، شماره بازیابی ۱۶۱۸/۲۹۶؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۱: ۲۰؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۸۴ ب: ۲۷؛ فووریه، بی‌تا: ۳۷۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۵۸۷)، اما با تأسیس نهادها و ادارات جدید به‌خصوص در دوره ناصری بسیاری از وظایف انتظامی نسقچی‌ها به این نهادهای جدیدالتأسیس واگذار شد. برای مثال، هم‌زمان با تکوین ساختار وزارت امور خارجه وظیفه استقبال از هیئت‌های دیپلماتیک به این وزارت‌خانه محول شد و دیگر نامی از نسقچی‌ها در هیئت‌های استقبال به چشم نمی‌خورد. بخش دیگری از وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز با تشکیل سازمان پلیس به این مجموعه واگذار شد. وظیفه تأمین امنیت مقامات و انتقال مجرمان سیاسی که پیش از این بر عهده نسقچی‌ها بود با ایجاد تشکیلات جدید به پلیس‌ها واگذار شده بود.

تأسیس نهادها و ادارات جدید مهم‌ترین عامل کم شدن وظایف نسقچی‌ها در دوره دوم قاجار به حساب می‌آید. در واقع، پس از تشکیل این ادارات و مشخص شدن حوزه مسئولیت هر یک، بخشی از وظایف نسقچی‌ها به این ادارات واگذار شد. امری که در نهایت باعث حذف منصب نسقچی از فهرست مناصب درباری قاجار شد.

۱.۲.۷ وظیفه مجازات خاطیان

هرچند در دوره قاجار شاهد تغییرات و حذف برخی از وظایف نسقچی‌ها بودیم، اما این امر درباره وظیفه کلاسیک نسقچی‌ها، یعنی مجازات افراد خاطی که به فرمان شاه مستوجب مجازات بودند، اتفاق نیفتاد و در واقع این بخش از وظایف نسقچی‌ها تا پایان حیات این منصب کماکان بدون بروز تغییر مهمی تداوم یافت. در واقع، نسقچی‌ها از ابتدای دوره قاجار در نقش عاملان اجرای مجازات در دربار شاهان قاجار حضوری مستمر و مداوم داشتند و افراد خاطی را به مجازات می‌رساندند (موریه، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

می‌دانیم که نسقچی‌ها می‌بایست در سفرهای شاهی حضور همیشگی می‌داشتند. ناصرالدین‌شاه هم در سندی بدون تاریخ بر حضور علاءالدوله نسقچی‌باشی در سفر تأکید و

بیان می‌کند که «البته برای شما در اردوها همیشه کارهایی هست» (سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۱۲۹۶۲/۲۹۶). هرچند وی دربارهٔ این کارها توضیحی بیان نکرده است، اما به نظر می‌رسد آن‌چه وی از اشاره به آن سر باز زده است همان وظیفهٔ اصلی نسقچی‌ها یعنی مجازات خاطیان بوده است. در این دوره کماکان وظیفهٔ مجازات کردن خاطیان درون اردوهای شاهی بر عهدهٔ نسقچیان بود؛ علاوه بر مجازات خاطیان در سفرها، نسقچی‌ها این وظیفه را در دربار نیز بر عهده داشتند. اعدام، گوش بریدن، مهار کردن، سر بریدن، و چشم درآوردن از جمله مهم‌ترین مجازات‌هایی بود که نسقچی‌ها انجام می‌دادند (سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۱۶۱۸/۲۹۶، ۱۶۷۰/۲۹۶، ۱۵۵۷/۲۹۶؛ سرنا: ۱۳۶۲: ۱۱۴).

۸. شکل ظاهری نسقچی‌های دورهٔ قاجار

روند تغییر در منصب نسقچی به شکل ظاهری آن‌ها نیز تسری یافت؛ هرچند در ابتدای دورهٔ قاجار هنوز تبرزین مهم‌ترین ویژگی بارز ظاهر نسقچی‌ها به حساب می‌آمد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۵۷)، اما این شکل ظاهری نسقچی‌ها در دورهٔ دوم قاجار تغییر محسوسی به خود دید. در این دوره نسقچی‌ها مانند دیگر افراد دربار لباس اداری مرسوم آن دوره را بر تن می‌کردند. این مسئله را می‌توان به خوبی از روی تصاویر برجای مانده از نسقچی‌های دورهٔ ناصری مشاهده کرد.

۹. اسامی نسقچی‌های دورهٔ قاجار

در منابع صدر قاجار از فرج‌الله‌خان آداخلوی افشار کنگاوری در سمت نسقچی‌باشی آغامحمدخان پیش از بر تخت نشستن و در جریان کشاکش‌های او با مدعیان سلطنت در ایران نام برده شده است. بعد از قتل خان قاجار، وی به سمت نسقچی‌باشی دربار فتحعلی‌شاه منصوب شد و تا قبل از آغاز مرحلهٔ دوم جنگ‌های ایران و روس هم‌چنان این منصب را بر عهده داشت (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۷۴؛ احمدی کرمانی، ۱۳۸۶: ۶۹؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۴، ۶۱۶؛ وزیری: ۱۳۷۰: ۷۲۹). فرج‌الله‌خان نسقچی‌باشی در بیش‌تر درگیری‌های نظامی داخلی و خارجی دورهٔ فتحعلی‌شاه در مقام یکی از امرای نظامی حضوری جدی داشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۴، ۲۸۵، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۸۸؛ محمود میرزا، ۱۳۸۹: ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۷؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۱۲، ۳۳۴، ۳۳۶؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۸۶؛ نوری، ۱۳۸۴: ۳۶۱). میزان اعتبار و قدرت وی به قدری بود که در

جریان شورش امرای خراسان، بر ضد شاهزاده محمدولی میرزا، فتحعلی‌شاه او را برای سروسامان دادن به امور خراسان و هم‌چنین دلجویی از خوانین آن خطه به آن‌جا فرستاد (محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۲۰۲؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۳۳؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹۴). علاوه بر این موارد، فرج‌الله‌خان تربیت شاهزاده عبدالله میرزا، فرزند یازدهم فتحعلی‌شاه، را نیز بر عهده داشت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۰۰). مجموع این موارد فرج‌الله‌خان را مهم‌ترین نسقچی باشی دوره اول قاجار معرفی می‌کند. می‌دانیم که، علاوه بر فرج‌الله‌خان، علی‌خان آداخلوی افشار نیز در سمت نسقچی باشی شاهزاده عباس میرزا و محمدمیرزا به کار اشتغال داشته است. حضور این دو را شاید بتوان مقوم این نظر دانست که منصب نسقچی باشی در دوره اول قاجار در دربار تهران و تبریز در اختیار قبیله افشار بوده است. می‌دانیم که به‌جز این دو محراب‌خان افشار نیز در نقش نایب نسقچی باشی در همین زمان به فعالیت مشغول بوده است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۵۸؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۱۷، ۱۱۹). فراموش نکنیم در جریان وقایع منتج به دستگیری فرزندان عباس میرزا به دستور قائم‌مقام، مادر شاهزادگان زندانی در نامه‌ای به قائم‌مقام از کنترل شدید حرم عباس میرزا به دست افراد ایل افشار شکایت کرده است:

هرگاه درباره نور چشمان قراری بگذارد این‌جانب چه تقصیر دارد که اهل افشار نگذارند پا به خارج بگذارد و به تبریز بیاید با نورچشمی ولی عهد دو سه فقره گفت‌وگو نماید و زیاده از نور چشمان این‌جانب را به حبس اندازند. معلوم است حبس ما بدون اذن شما نیست والا اهل افشار این جرئت را ندارند که اهل و عیال نایب‌السلطنه را به این مرتبه بی‌حرمتی کنند ... (صفایی، ۱۳۵۲: ۲۵).

این را نیز می‌توان نشان‌دهنده اختصاص منصب نسقچی باشی دربار تهران و تبریز، به‌منزله مهم‌ترین مراکز قدرت قاجار، به افشارها دانست.

با مرگ فرج‌الله‌خان هرچند که هنوز علی‌خان افشار در تبریز نسقچی باشی بود، اما نسقچی باشی دربار تهران به یکی از وابستگان نسبی فتحعلی‌شاه و ایل دولو قاجار رسید (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۱۰۳). محمدحسن‌خان قاجار دولو فرزند محمدخان قاجار دولو نسقچی باشی بعدی دربار فتحعلی‌شاه بود (سپهر، ۱۳۷۷: ۴۳۶). پیش از محمدحسن‌خان، الله‌قلی‌خان قاجار از قبیله دولو چندی در جایگاه نایب نسقچی فعالیت داشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۰۱، ۱۰۰۴). انتخاب محمدحسن‌خان به سمت نسقچی باشی دربار نقطه عطفی در این منصب به حساب می‌آید. چه بعد از وی این منصب در میان فرزندان او موروثی شد و تا پایان حیات این منصب در تشکیلات دربار قاجار افرادی از خاندان وی

ریاست این منصب را بر عهده داشتند. جانشینی محمدحسن خان به جای فرج‌الله‌خان را می‌توان در امتداد سیاست قاجارها مبنی بر تخصیص مناصب درباری به نزدیکان خاندان قاجار و وابستگان سببی و نسبی آنان دانست. امری که دربارهٔ سایر مناصب دورهٔ قاجار نیز کم‌وبیش عمومیت یافت. سیاستی که بر اساس آن اکثر مناصب حکومتی در درجهٔ اول به اعضای ایل قاجار و در مرحلهٔ بعدی به وابستگان سببی و نسبی این خاندان تعلق می‌گرفت. منصب نسقچی‌باشی نیز بعد از فرج‌الله‌خان افشار به همین سرنوشت دچار شد.

محمدحسن خان دولو تا سال ۱۲۴۶ ق که بر اثر وبا فوت کرد هم‌چنان این منصب را در اختیار داشت (همان: ۷۵۹). بعد از فوت وی، محمدامین خان پسرش به سمت نسقچی‌باشی دربار فتحعلی‌شاه انتخاب شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۰۰). محمدامین خان نیز مانند پدر وابستگی نسبی با خاندان قاجار برقرار کرده بود و تا پایان حیاتش در نقش نسقچی‌باشی فعالیت داشت (عضدالدوله، ۲۵۳۵: ۴۹، ۵۴). از زندگی سیاسی وی پیش از انتصاب به این منصب اطلاع چندانی در منابع ذکر نشده است، اما می‌دانیم که او در دورهٔ دوم جنگ‌های ایران و روس در نقش یکی از امرای سپاه حضور داشت و مسئولیت محافظت از قلعهٔ عباس‌آباد به او واگذار شده بود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۷۸). محمدامین خان که در سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه عهده‌دار منصب نسقچی‌باشی دربار وی بود پس از مرگ شاه نیز هم‌چنان عهده‌دار این منصب در دربار محمدشاه بود (همان: ۵۱۶). پس از مرگ وی محمدرحیم‌خان، فرزند دیگر محمدخان دولو، نسقچی‌باشی دربار ناصری شد (بامداد، ۱۳۸۴: ۸۶۳). وی نیز مانند دو نسقچی‌باشی قبلی وابستگی نسبی با خاندان قاجار داشت (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۱۰). محمدرحیم‌خان را باید قدرتمندترین نسقچی‌باشی دورهٔ دوم قاجار دانست، که به مدت ۳۴ سال (۱۲۶۴-۱۲۹۸ ق) عهده‌دار این منصب بود و به‌نوعی این منصب در دورهٔ ناصری با او شناخته می‌شد. تندخویی و شدت عمل، دو ویژگی بارز شخصیتی نسقچی‌ها، در محمدرحیم‌خان نیز دیده می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). محمدرحیم‌خان در سال ۱۲۷۶ ق ملقب به لقب علاءالدوله بود که این لقب نیز در خاندان وی موروثی شد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۷۸؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰، ۱۱۳).

مهم‌ترین ویژگی محمدرحیم‌خان علاءالدوله که او را از دیگر نسقچیان دورهٔ قاجار متمایز کرده بود تصدی مقامات، مناصب، و حکومت شهرهای گوناگون طی حیاتش بود. از این منظر وی در میان نسقچی‌باشی‌های دورهٔ قاجار از موقعیتی ممتاز برخوردار بود. علاوه بر منصب نسقچی‌باشی، وی تصدی مناصب حاجب‌الدولگی، سرکشیک‌باشی‌گری، ریاست فراش‌خانه و نسق‌خانهٔ مبارکه، ایشیک‌آقاسی‌گری، وزارت جنگ، و وزارت دربار را نیز بر

عَهده داشت (فرمانفرمایان، ۱۳۷۰: ۴۲؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۴۱؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۲۶، ۴۱۰؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۶۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۱۹۵۳؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۶۴). هم‌چنین علاءالدوله تا پایان حیات خود حکومت شهرهای نهاوند، قزوین، گیلان، زنجان، همدان، و خوی را بر عهده داشت (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۴۱؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۷: ۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۵، ۵۷، ۵۹؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). حضور وی در تشکیلات مجلس مصلحت‌خانه، دارالشورای کبریا، وزارت سته، و هیئت وزرای مختار (فرمانفرمایان، ۱۳۷۰: ۴۲؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۱۱، ۱۳۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۸۷) علاءالدوله را به یکی از رجال بانفوذ ایران دورهٔ ناصری تبدیل کرده بود. شاید به همین علت وی جزء معدود کسانی بود که توانست در سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ جزء متخبان میرزا حسین خان سپه‌سالار و از ملازمان رکاب باشد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). به روشنی برای ما معلوم نیست که حق دسترسی ویژه‌ای که علاءالدوله پس از تشکیل صدارت سه نفره به شاه داشت به علت شغل او در سمت وزیر دربار بود یا به علت شغل نسقچی‌باشی‌گری وی، اما می‌دانیم که پس از تشکیل صدارت سه نفره فقط عضدالملک رئیس ایل قاجار، امین‌السلطان مسئول آبدارخانه و فرد مورد اعتماد ناصرالدین‌شاه، و علاءالدوله حق دسترسی مستقیم به شاه را داشتند و بقیهٔ مقامات می‌بایست کارهای خود را به یکی از سه وزیر ارجاع می‌دادند که کارهای کشور مابین آن‌ها تقسیم شده بود (همان: ۱۴۷). آخرین مأموریت علاءالدوله پیشکاری شاهزاده مظفرالدین میرزا بود که در سال ۱۲۹۸ ق برای پایان دادن به ناآرامی‌های آذربایجان از سوی ناصرالدین‌شاه به آن دیار فرستاده شده بود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). در آن‌جا علاءالدوله توانست با توسل به شدت عمل اوضاع آشفتهٔ ایالات را سروسامان دهد و در همان جا نیز بعد از چندی به طور ناگهانی فوت کرد. پس از مرگ وی، مانند دیگر افراد قدرتمند دورهٔ ناصری شایعهٔ دخالت شاه در مرگش بر سر زبان‌ها افتاد (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۲۶۷). پس از مرگ محمدرحیم‌خان بنا به سنت مرسوم مناصبش مابین فرزندان‌ش تقسیم شد و محمدحسن خان پسر بزرگش که ده سال پیش از این و در سن یازده سالگی از سوی پدرش منصب نسقچی‌باشی دربار را به‌دست آورده بود به سمت نسقچی‌باشی جدید دربار ناصری انتخاب شد (بامداد، ۱۳۸۴: ۶۰۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۹۳۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۰۰؛ سلیمانی، ۱۳۷۹: ۵۷). وی که لقب حاجب‌الدوله را از پدرش به ارث برده بود، کماکان علاوه بر نسق‌خانه ریاست سرایدارخانه و فراش‌خانه را نیز بر عهده داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۶۹؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۵۲). بعد از فوت ناگهانی^۴ او در سال ۱۳۰۵ ق منصب نسقچی‌باشی‌گری به

فرزندش محمدرحیم خان که هم‌نام جدش بود رسید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۹۳۷). محمدرحیم خان، حاصل ازدواج پدرش با خواهر عزیزالسلطان، در دربار ناصری از قدرت بالایی برخوردار بود (همان: ۹۷۳). وی تا پایان عهد ناصری کماکان این منصب را بر عهده داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۹). محمدرحیم خان را می‌توان آخرین نسقچی باشی دربار قاجار به حساب آورد. به‌طوری که، پس از مرگ ناصرالدین شاه در فهرست مناصب و مقامات درباری دیگر نامی از نسقچی باشی و ادارهٔ نسق‌خانهٔ مبارکه به چشم نمی‌خورد (ملک‌المورخین، ۱۳۸۶: ۶).

به‌نظر می‌رسد که در این زمان این منصب به‌تدریج از فهرست مناصب درباری به‌علت از دست دادن کارکرد خود حذف شده است. هرچند این منصب از تشکیلات دربار مظفری حذف شده بود، اما به‌نظر می‌رسد که هنوز هم به‌شکل تشریفاتی به حیات خود تا سال‌های پایانی حکومت قاجار ادامه می‌داده است. این امر را می‌توان از سندی به تاریخ ۱۳۳۲ ق استنباط کرد. موضوع سند فوق‌الذکر تخصیص ۴۰ تومان به‌منزلهٔ نصف موجب سالانهٔ یحیی‌بیگ نایب نسقچی باشی در حق بازماندگان وی است (سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازبایی ۳۰۰۰۵ / ۲۴۰). اعتمادالسلطنه از یحیی‌بیگ نایب نسقچی باشی به‌منزلهٔ یکی از اعضای یازده‌گانهٔ نسق‌خانهٔ مبارکه در دورهٔ ناصری نام برده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۹). بعید نیست که یحیی‌بیگ نایب نسقچی باشی که در این سند ذکر شده است همان یحیی‌بیگ نایب نسقچی باشی دورهٔ ناصری باشد که در زمان احمدشاه فوت کرده است. این احتمال وجود دارد که تا آن زمان، با وجود از بین رفتن این منصب، کماکان موجب آن در فهرست مالی آن دوره برقرار بوده است و جالب آن‌که پس از مرگ وی نیز به موجب این سند تا ده سال دیگر نیز در حق بازماندگان یحیی‌بیگ می‌بایست برقرار باشد، احتمالی که به واقعیت نزدیک می‌نماید.

۱۰. نتیجه‌گیری

حضور آشکارای منصب نسقچی در تشکیلات اداری ایران به دورهٔ صفوی بازمی‌گردد. در آن دوره نسقچی‌ها زیرمجموعهٔ منصب نظامی قورچی به‌حساب می‌آمدند و وظایف نظامی و انتظامی عمدهٔ وظایف نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد. این وظایف در ادوار بعدی تکامل و تداوم پیدا کرد. نسقچی‌ها در دورهٔ افشار، به‌خصوص در دورهٔ نادر، با توجه به ماهیت نظامی حکومت وی حضور پررنگ تری در دربار و در عرصهٔ جامعه یافتند. گستردگی

حوزه وظایف آنان در این دوره به‌خصوص وظایف نظامی و انتظامی آنان باعث شده بود که از نسقچی‌ها به‌منزله افرادی دژخیم در متون و منابع یاد شود. در دوره اول قاجار کماکان نسقچی‌ها همان وظایف دوره‌های پیشین را بر عهده داشتند؛ علاوه بر این، به‌علت نداشتن ساختار اداری منسجم در دوره اول قاجار وظایفی جدید مانند استقبال از سفرا و فرستادگان خارجی را نیز بر عهده گرفتند، اما از دوره ناصری هم‌زمان با بروز تغییرات در ساختار اداری کشور از یک سو و حاکم شدن نظم و ثبات در کشور از سوی دیگر شاهد تغییرات مهمی در وظایف نسقچی‌ها بودیم. به‌طوری که، در دوره ناصری، با پایان یافتن جنگ‌ها و کشمکش‌های داخلی، دیگر وظایف نظامی نسقچی‌ها ضرورتی نداشت و به این ترتیب بخش مهمی از وظایف نسقچی‌ها که از دوره صفوی تا اوایل قرن سیزدهم ادامه داشت از بین رفت. وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز با تأسیس ادارات جدید در دوره ناصری به آن‌ها تعلق گرفت و وظایف نسقچی‌ها به اجرای مجازات‌های بدنی تقلیل پیدا کرد. چنان‌که این وظیفه نیز هم‌زمان با تشکیل نهاد پلیس از یک سو و تحول کلی مجازات‌ها از سوی دیگر به تدریج حذف شد. در نتیجه منصب نسقچی در پایان دوره ناصری و اوایل دوره مظفری با از دست دادن کارکرد خود به حاشیه رانده شد و از تشکیلات دیوانی قاجار حذف شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع درباره منصب قورچی و وظایف آن ← میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۱.
۲. بازن از ۲۵۰ نفر نسقچی در اردوی نادر نام می‌برد و ابراهیم گاتوغی‌کوس از ۳۰۰ نفر در روز تاج‌گذاری نادر نام برده است (شعبانی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۶۴۰؛ گاتوغی‌کوس، ۱۳۴۷: ۴۹).
۳. در روز تشییع جنازه آغامحمدخان نیز نسقچیان در کنار یساولان و جارچیان در پیش روی تخت روان دیده می‌شدند (قاجار، ۱۳۸۹: ۱۱۲).
۴. علت فوت ناگهانی او گیر کردن ته‌دیگ برنج در گلویش بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۹۳۷).

کتاب‌نامه

- ابتهاج، محمود (۱۳۵۴). *اصطلاحات دیوانی و اداری از آغاز صفویه تا پایان دوره قاجاریه*، تهران: دانشگاه تهران.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- احمدی کرمانی، یحیی (۱۳۸۶). *فرماندهان کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.

- اعتضادالسلطنه، علی قلی میرزا (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ، تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ ق*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷). *صدرالتواریخ یا تاریخ صدور قاجار، شرح حال یازده نفر از صدراعظم‌های پادشاهان قاجار، تصحیح محمد مشیری، تهران: روزبهان.*
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳). *الامآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین‌شاه، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.*
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.*
- افشار، ایرج (۱۳۸۰). *دفتر تاریخ، ج ۲، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار یزدی.*
- آکس وورتی، مایکل (۱۳۸۸). *شمشیر ایران، نادرشاه از تفنگچی‌گری تا مسند پادشاهی، ترجمهٔ محمدحسین آریا، تهران: اساطیر.*
- امین‌الدوله، علی (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.*
- بامداد، مهدی (۱۳۸۴). *شرح رجال ایران، قرن‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تلخیص ذبیح‌الله علی‌زاده اشکوری، تهران: فردوس.*
- بیانی، خان‌بابا (۱۳۷۵). *پنجاه سال تاریخ ایران در دورهٔ ناصری، تهران: علم.*
- بیانی، خان‌بابا (۱۳۷۸). *تاریخ نظامی ایران دورهٔ صفویه، تهران: زرین قلم.*
- تیموری، ابراهیم (۱۳۸۴). *دو سال آخر: یادداشت‌های روزنامهٔ سرجان کمبل نمایندهٔ انگلیس در دربار ایران سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۳، تهران: دانشگاه تهران.*
- جونز، سرهارد فورد (۱۳۸۶). *روزنامهٔ سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران، ترجمهٔ مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.*
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات؛ کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد؛ مجلس شورای اسلامی.*
- خسرویگی، هوشنگ (۱۳۷۴). *مناصب و مقامات اداری ایران در اوایل دورهٔ قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق)*، تهران: دانشگاه تهران.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). *حقایق الاخبار ناصری، محمدجعفر خورموجی، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: زوار.*
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). *«دستورالملوک میرزا رفیعا»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۶۸.*
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸). *سفرنامهٔ دروویل، ترجمهٔ جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.*
- دیوان‌بیگی، حسین (۱۳۸۲). *خاطرات دیوان‌بیگی از سال‌های ۱۲۷۵-۱۳۱۷، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.*

رستم الحکما، محمدهاشم (۱۳۴۸). *رستم‌التواریخ*، تصحیح محمد مشیری، تهران: بی‌جا.
رضازاده شفق، صادق (۱۳۸۶). *نادرشاه از دیدگاه مورخین و شرق‌شناسان*، تهران: ثالث.
ساروی، محمدتقی (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی، احسن‌التواریخ*، به اهتمام غلامرضا مجد طباطبائی، تهران: امیرکبیر.

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۲۹۶۲

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۵۳

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۵۵۷

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۶۱۸

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۹۶/۱۶۷۰

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۲۴۰/۳۰۰۰۵

سازمان اسناد ملی، شمارهٔ بازیابی ۷۸-۹۶

سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
سعدوندیان، سیروس و منصوره اتحادیه (۱۳۶۸). *آمار دارالخلافهٔ تهران*، سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران.

سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *القاب رجال دورهٔ قاجاریه*، تهران: نشر نی.

شعبانی، رضا (۱۳۸۸). *تاریخ ایران در عهد افشاریه*، ج ۲، تهران: سخن.

صفایی، ابراهیم (۱۳۵۲). *یک‌صد سند تاریخی*، تهران: شرق.

طرب نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین (۱۳۵۳). *جامع جعفری، تاریخ ایران در دورهٔ نادری، زندی و عصر فتحعلی‌شاهی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انجم آثار ملی.

عضدالدوله، احمد میرزا (۲۵۳۵). *تاریخ عضدی*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). *روزنامهٔ خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۱، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). *گلشن مراد*، به اهتمام غلامرضا مجد طباطبائی، تهران: زرین.

فریزر، جیمز بیللی (۱۳۶۳). *تاریخ نادرشاه افشار*، ترجمهٔ ابوالقاسم خان ناصرالملک، تهران: پاسارگاد.

فسایی، میرزاحسن (۱۳۶۷). *فارس‌نامهٔ ناصری*، ج ۱، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). *زندگانی شاه‌عباس اول*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

فلور، ویلم (۱۳۶۵). *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان (روایت شاهدان هلندی)*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فلور، ویلم (۱۳۸۱). *نظام قضایی در عصر صفوی*، ترجمهٔ حسن زندیه، قم: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.

فلور، ویلم (۱۳۸۸). *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.

فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). *سفرنامهٔ فوروکاوا*، ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و نهورا کینجی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- فوریه، ژوانس (بی‌تا). سه سال در دربار ایران، خاطرات دکتر فوریه، به کوشش همایون شهیدی، ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- فیودورکورف، بارون (۱۳۷۲). *سفرنامهٔ بارون فیودورکورف*، ترجمهٔ اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- قاجار، محمود میرزا (۱۳۸۹). *تاریخ صاحبقرانی، حوادث سلسلهٔ قاجاریه (۱۱۹۰-۱۲۴۸)*، تصحیح نادره جلالی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کروسینسکی، یوداتادیوز (۱۳۶۳). *سفرنامهٔ کروسینسکی، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی*، با مقدمهٔ مریم میراحمدی، ترجمهٔ عبدالرزاق مفتون دنبلی، تهران: طوس.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۷). *اسناد و فرامین منتشرشدهٔ قاجاری از دوران فتحعلی‌شاه قاجار*، لندن: مؤلف.
- کلاتر، میرزامحمد (۱۳۶۲). *روزنامهٔ میرزامحمد کلاتر فارس، شامل وقایع قسمت‌های جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری*، تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.
- گاتوغی کوس، آبراهام (۱۳۴۷). *منتخبی از یادداشت‌های ابراهام گاتوغی کوس خلیفهٔ اعظم ارامنه*، ترجمهٔ عبدالحسین سپنتا و هانانیا استغان، تهران: بی‌نا.
- گلستانه، ابوالحسن (۱۳۴۴). *مجموعهٔ التواریخ، شامل وقایع و رویدادهای سی و پنج سال بعد از نادرشاه و ذیل زین‌العابدین کوهمره ملقب به امیر در تاریخ زندیه، حواشی و اعلام و فهرست تصحیح محمدتقی مدرس رضوی*، تهران: ابن‌سینا.
- لنجانی اصفهانی، محمدحسن بن محمدرحیم (۱۳۹۱). *جنه‌الخبار، بخش تاریخ زندیه و قاجاریه (۱۲۶۰-۱۲۶۸)*، به انضمام نسخهٔ الاخبار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مجلس.
- محلّاتی، حاج سیاح (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح یا دورهٔ خوف و وحشت*، به کوشش سعید محلّاتی، تصحیح سیف‌الله گل‌کار، تهران: امیرکبیر.
- محمود میرزا، قاجار (۱۳۹۰). *عهد حسام، سفرنامهٔ لرستان و خوزستان ۱۲۴۵ ق*، به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- مدرسی، یحیی، حسین سامعی، و زهرا صفوی مبرهن (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات دورهٔ قاجار، قشون و نظمیه*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). *عالم‌آرای نادری*، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من*، ج ۱، تهران: زوار.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس) به ضمیمهٔ تاریخ جنگ‌های دوم از تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحشیهٔ غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامهٔ ایران.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت‌الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
- ملکم، سرجان (۱۳۶۲). *تاریخ ایران*، تدوین مرتضی سیفی قمی تفرشی و ابراهیم زندپور، ترجمهٔ میرزا اسماعیل حیرت، تهران: فرهنگ‌سرای یساولی.
- موریه، جیمز جاستی نین (۱۳۸۶). *سفرنامهٔ جیمز موریه*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: طوس.

- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۴). *سازمان اداری حکومت صفوی، تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره‌الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، حواشی و فهرس و مقدمه محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار؛ انجمن کتاب.
- میرزا رفیعا، محمدرفع بن حسن (۱۳۸۵). *دستورالملوک*، تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، با مقدمه منصور صفت‌گل، ترجمه علی کردآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ناصرالدین‌شاه، قاجار (۱۳۵۴). *سفرنامه خراسان*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- ناصرالدین‌شاه، قاجار (۱۳۶۷). *روزنامه سفر گیلان*، تصحیح منوچهر ستوده، گیلان: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- ناصرالدین‌شاه، قاجار (۱۳۸۱). *سفرنامه ناصرالدین‌شاه به قم*، به کوشش فاطمه قاضی‌ها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- ناصرالدین‌شاه، قاجار (۱۳۸۴ الف). *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه*، از محرم تا شعبان ۱۳۰۶، تصحیح توضیحات عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ناصرالدین‌شاه، قاجار (۱۳۸۴ ب). *سفرنامه ناصرالدین‌شاه به مازندران*، تصحیح هارون و هومن، تهران: پانیز.
- نامی، محمدمصدق (۱۳۳۳). *تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زنده*، با دو ذیل تألیف میرزا عبدالکریم بن علی‌رضا الشریف و آقا محمدرضای شیرازی، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- نظام‌السلطنه مافی، حسنتقی (۱۳۸۶). *خاطرات و اسناد حسنتقی‌خان نظام‌السلطنه مافی*، ج ۱، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸). *نادرشاه و بازماندگان*، تهران: زرنیغ.
- نوری، محمדתقی (۱۳۸۴). *اشرف‌التواریخ*، وقایع مربوط به دوره حکومت محمدولی‌میرزا در خراسان، تصحیح سوسن اصیلی، تهران: میراث مکتوب.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی، پژوهشی در تشکیلات اداری، کشوری و لشکری ایران از عصر مغول تا پایان قاجار*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: معین.
- وزیری کرمانی، احمدعلی (۱۳۸۵). *جغرافیای کرمان؛ به ضمیمه رساله دهات کرمان*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- وزیری، احمدعلی خان (۱۳۷۰). *تاریخ کرمان*، تصحیح و تحشیه از محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علمی.